

\* به خون گر کشی خاک<sup>۱</sup> من، دشمن<sup>۲</sup> من بجوشد گل اندر گل<sup>۳</sup> از گلشن<sup>۴</sup> من  
۱- مجازاً کشور، ۲- منادا (ای دشمن من)، ۳- گل های فراوان (**استعاره** از جوانان شهادت طلب)، ۴- **استعاره**  
از میهن

\* تنم گر بسوزی،<sup>۱</sup> به تیرم<sup>۲</sup> بدوزی جدا سازی ای خصم، سر از تن<sup>۳</sup> من  
۱- حذف به قرینه لفظی (اگر)، ۲- ضمیر در نقش مفعولی، ۳- **کنایه** از شکستن

\* کجا می توانی<sup>۱</sup>، ز قلبم رُبایی<sup>۲</sup> تو<sup>۳</sup> عشق میان من و میهن<sup>۴</sup> من؟  
۱- به هیچ وجه نمی توانی (استفهام انکاری)، ۲- بر بایی و بدزدی، ۳- نهاد، ۴- گروه مفعولی  
\*\* بیت دوم و سوم «موقوف المعانی» هستند؛ یعنی معنی آنها با یکدیگر کامل می شود.

\* من ایرانی<sup>۱</sup> ام، آرمان<sup>۲</sup> م شهادت<sup>۳</sup> تجلی<sup>۴</sup> هستی است، جان کندن<sup>۵</sup> من  
۱- مُسند، ۲- هدف، ۳- فعل: «است» به قرینه حذف شده، ۴- روشنی، ۵- کنایه از شهادت

\* مپندار کاین<sup>۱</sup> شعله<sup>۲</sup> افسرده گردد که بعد از من افروزد<sup>۳</sup> از مدفن<sup>۴</sup> من  
۱- که این، ۲- **استعاره** از عشق و ایمان، ۳- افروخته می شود، ۴- آرامگاه

\* نه تسلیم و سازش، نه تکریم<sup>۱</sup> و خواهش بتازد به نیرنگ تو توسن<sup>۲</sup> من  
۱- بزرگداشت، ۲- اسب سرکش (استعاره از اراده و همت)  
\* کنون، رود خلق<sup>۱</sup> است دریای جوشان<sup>۲</sup> همه، خوشه خشم<sup>۳</sup> شد خرمن<sup>۴</sup> من

۱- **اضافه تشبیهی**، ۲- **تشبیه**، ۳- **اضافه تشبیهی**، ۴- **استعاره از وجود**

\*\* در هر دو مصراع، تشبیهات تو در تو (تشبیه در تشبیه) وجود دارد.

\*من آزاده از خاکِ آزادگانم گلِ صبر (اضافه تشبیهی) می‌پرورد، دامن من (شیوه بلاغی است)  
شکل اصلی: دامن من، گل صبر، می‌پرورد

\*جز از جامِ توحید هرگز ننوشم زنی گر به تیغِ ستم، گردنِ من

تشبیه      بزنی      تشبیه

\*تقریظ: نوشتن یادداشتی ستایش‌آمیز درباره یک کتاب

\*بناتُ الخُمینی: دختران خمینی

\*تابوتِ مرا جایِ بلندی بگذارید تا بادِ بَرَدِ سوی وطن، بوی تنم را (شیوه بلاغی)